

معمای ناپایداری توسعه در کلاردشت

(بخش نخست - عارضه‌یابی وضع موجود)



کورش برارپور
bararpour@modares.ac.ir

رژیم‌شناسی و مطالعات فرهنگی

رساله علمی علوم انسانی

چکیده

رشد ایستای سرمایه‌های انسانی و کاهش سرمایه‌های اجتماعی و طبیعی از پیامدهای توجه و تمرکز صرف سیاستگذاران کلان کشورمان به بعد اقتصادی توسعه است. همچنین همسان‌نگاری برخی مفاهیم مرتبط با توسعه (همچون: گردشگری طبیعی (Ecotourism)) با مفاهیم نامرتبط با توسعه (همچون: فعل اعیان‌نشینی (Second Home)) در کشور ما، سبب شده تا سیاستهای مبتنی بر سرمایه‌گذاری، با تأخیرهای زمانی منجر به تهی‌سازی سرمایه‌های کلیدی شود که تبعات اجتماعی را نیز به دنبال دارد. منطقه کلاردشت در غرب استان مازندران نمونه بارز این مدعاست. این مقاله که در دو بخش به نگارش درآمده، یافته‌های مطالعه‌ای را ارائه می‌کند که ابتدا با رویکردی سیستمی، به عارضه‌یابی وضع موجود سیستمهای مدیریتی و نظامهای اجتماعی کلاردشت، در ۲۲ سال گذشته می‌پردازد و سپس بر ارائه مدل‌های دقیق ریاضی برای اندازه‌گیری بهره‌وری طرح‌های توسعه‌ای آن منطقه، متمرکز می‌شود.

نگرش خطی یا جزءنگر به فرایند توسعه در کشورهای کمتر توسعه یافته، سبب نادیده انگاشتن ارتباط بین عوامل اصلی توسعه یافتگی با خود توسعه می شود. در این گونه کشورها، به طور معمول، مراد از سرمایه گذاری، سرمایه گذاری فیزیکی (اقتصادی) بوده و کمتر به ابعاد انسانی، طبیعی و اجتماعی توسعه پرداخته می شود (SOUBBOTINA, 2004). در کشور ما نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه، اغلب، نگاه صرف اقتصادی به توسعه که معمولاً با اغراق سرمایه گذاری همراه است، به تهی سازی سرمایه های محلی در مناطق مختلف با جاذبه های گردشگری طبیعی، همچون کلاردشت، منجر می شود (برابرپور و کلانتر، ۱۳۸۵). مطالعه ای دیگر در این زمینه نشان می دهد که گردشگران و بهره برداران از جنگل های غرب مازندران، همچون زنبورهای مهاجم به کندوی عسل می مانند که بدون کمترین دلبستگی یا وابستگی به محیط زیست، به تهی سازی سرمایه های محلی مبادرت می ورزند (برابرپور، الف ۱۳۸۷) که تداعی کننده نظریه چرخه تخریب محیط زیست، ارائه شده توسط گلاوین است (GLADWIN, 1997). گلاوین نظریه خود را به صورت زیر مطرح می کند:

● تخریب محیط زیست سبب تهی سازی سرمایه ها می شود.
● تهی سازی سرمایه ها معادل نابودی فضای عملیاتی کره زمین است.
● نابودی فضای عملیاتی موجب فقرزایی، کمبود منابع و در نهایت روند نزولی ابعاد انسانی، اقتصادی و اجتماعی توسعه، و نابودی محیط زیست می شود.

● وجود این چرخه سبب نارضایتی مردم می شود.
● نارضایتی مردم سبب بروز اختلال در کسب و کار، اقتصاد و اوضاع اجتماعی و در نهایت سبب بروز تهدیدهای امنیتی می شود.

از آنجا که چرخه مخرب یادشده در زیست کره زمین در حال روی دادن است، نیاز به یک راهبرد موثر و کارآمد احساس می شود. گلاوین برپایه ایده اولویت دادن به سرمایه های طبیعی، انسانی و اجتماعی

در برابر سرمایه های فیزیکی و تولیدی، یک الگوی راهبردی را ارائه می دهد (GLADWIN, 2000). مطالعه های تکمیلی در این زمینه، ضمن بومی سازی الگوی گلاوین برای جامعه ایران، به سنجش میزان ناپایداری توسعه محلی در منطقه کلاردشت پرداخته است که، فقرزا عمل کردن طرح های توسعه ای در آن منطقه را تایید می کند (برابرپور، الف ۱۳۸۷).

هدف این نوشتار، تبیین و تشریح علل و پیامدهای ناشی از بروز چرخه تخریب محیط زیست در کلاردشت، با استفاده از مدل های مفهومی سیستمی، به منظور پیشینه سازی سطح آگاهی عمومی، برای جلوگیری از روند رو به رشد چرخه تخریب، و ایجاد زمینه های لازم برای تحول برنامه ریزی شده در آن منطقه است. در قسمت نخست از این مقاله، براساس یافته های پیشین مولف، درباره سنجش موقعیت ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت و با استناد به نظریه گلاوین، به مفهوم سازی چرخه تخریب محیط زیست کلاردشت و ارائه سیاست های مناسب، براساس مدل تغییر برنامه ریزی شده پرداخته می شود.

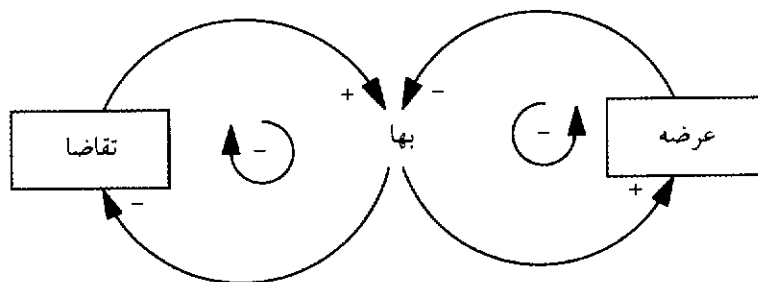
عارضه یابی

به منظور عارضه یابی وضع موجود؛ ابتدا جامعه هدف، به دقت مورد مطالعه و بازبینی علمی قرار گرفت. فرآیند عارضه یابی بر مسایل و مشکلات ویژه (چرخه تخریب محیط زیست و ناپایداری توسعه محلی) جامعه مورد مطالعه و علل و پیامدهای ناشی از آن متمرکز است. فرآیند یادشده شامل انتخاب مدلی مناسب برای درک

مسئله و گردآوری داده و همچنین تحلیل و ارائه بازخورد اطلاعات به ذی نفعان تغییر در آن منطقه است. گردآوری داده، تحلیل و بازخورد اطلاعات، ۳ فعالیت اساسی در فاز عارضه یابی به شمار می رود (کامینگر، ۱۳۸۵).

الف) گردآوری داده: برای گردآوری داده از روشهای مصاحبه، مشاهده های میدانی، پرسشنامه و شواهد مستند شامل: اسناد بایگانی شده، نامه ها، دست نوشته ها، گزارش های تاریخی، گزارش های علمی، مطالب روزنامه ها و دیگر رسانه ها استفاده شد. گردآوری داده به صورت موضوعی بود و بر چهار دسته از مفاهیم اساسی تمرکز داشت که عبارت بودند از: ۱. مطالعات موردی (شامل: طرحها یا پروژه هایی که سبب بروز و یا تقویت چرخه تخریب شده اند)؛ ۲. علت های وقوع چرخه؛ ۳. پیامدهای ناشی از رخداد چرخه تخریب؛ ۴. چگونگی کنترل و درهم شکستن چرخه تخریب.

ب) تجزیه و تحلیل داده ها: برای تجزیه و تحلیل داده ها از تکنیک مفهوم سازی سیستمی استفاده شده است. این تکنیک بخشی از فرآیند پویایی شناسی سیستم بوده و مبنای آن شکل گیری مفاهیم در ذهن، از راه ترسیم و بازنگری رفتار مرجع متغیرهای کلیدی مدل مفهومی است (STERMAN, 2000). شکل گیری مفاهیم براساس شباهتها و تمایزها؛ ویژگی، اشیاء، و ایده ها را طبقه بندی (مفهومی) می کند. در این فرآیند، شکل گیری مفاهیم در دو مرحله انجام می شود؛ ۱. جداسازی موضوعها براساس تمایزها، ۲. یکپارچه سازی موضوعها براساس شباهت ها. پس از استخراج



شکل ۱. پویایی عرضه و تقاضا در حالت بازار کامل در اقتصاد (STERMAN, 2000)

مفاهیم، به صورت حلقه‌های علت و معلولی به نمایش مفاهیم و آشکارسازی روابط بین آنها پرداخته می‌شود. حاصل این فرایند، حلقه‌های علی-معلولی است که پدیده چرخه تخریب محیط زیست محلی را در کلاردشت از زوایای علت‌شناسی و پیامدهای برآمده از آنها، مورد بررسی سیستمی قرار می‌دهد. اما از آنجا که محدودیت منبعی به نام زمین در کلاردشت و رقابت افراد برای به دست آوردن سهم بیشتری از آن، سبب به هم خوردن مدل کلی عرضه و تقاضای زمین در منطقه شده، در ادامه، به صورت مفهومی به مدل‌سازی و تشریح علت‌های رخداد چرخه تخریب محیط زیست و پیامدهای ناشی از آن در کلاردشت، پرداخته می‌شود.

مدل کلی عرضه و تقاضای کالا در اقتصاد: شکل ۱، پویایی عرضه و تقاضا را در حالت بازار کامل در اقتصاد نمایش می‌دهد (STERMAN, 2000). بر این اساس، وقتی عرضه افزایش می‌یابد، بها کاهش و در نهایت تقاضا افزایش می‌یابد. بر اساس پویایی بازگشتی، با افزایش تقاضا، بها نیز افزایش یافته و در نهایت این روند افزایشی بها، سبب افزایش عرضه شده که بدین ترتیب تعادل عرضه و تقاضای کالا در اقتصاد حفظ می‌شود. الگوی مفهومی شکل ۱، دو بازخورد منفی، یکی در بخش عرضه و دیگری در بخش تقاضا را نمایش می‌دهد. ماهیت کنترلی ناشی از بازخورد منفی الگو، برای حفظ تعادل پویایی عرضه و تقاضا، در بازار کامل است.

مدل کلی عرضه و تقاضای مبتنی بر رانت در اقتصاد: اما در کشورهای با رویکردهای درونگر به اقتصاد (مانند کشورما) که معمولاً با هدف حمایت از تولیدکننده یا به قصد پشتیبانی از مصرف‌کننده همراه است، تعادل عرضه و تقاضا در اقتصاد به

هم خورده، مدل مفهومی (شکل ۱)، برای این گونه از کشورها پاسخگو نیست. با این منطق؛ (شکل ۲)، که مدل مفهومی عرضه و تقاضای زمین در کلاردشت را به نمایش گذارده بیان می‌کند:

"سیاست های حمایتی غیرمستقیم دولت‌های مختلف در ۲۲ سال گذشته (جمشیدی، ۱۳۸۶) برای فروش زمین در کلاردشت، سبب عرضه بیشتر زمین توسط بومیان منطقه و در نتیجه کاهش بهای زمین در کوتاه مدت می‌شود. کاهش کوتاه مدت بهای زمین از یک سو و سیاستهای پنهان مبتنی بر رانت، برای افزایش تقاضای زمین در منطقه از سوی دیگر، سبب افزایش تقاضا برای زمین در کلاردشت شده است. این افزایش تقاضا در پویایی بازگشتی در مدل مفهومی (شکل ۲)، سبب افزایش مرحله‌ای بها و در نهایت عرضه بیشتر زمین توسط بومیان منطقه شده است."

اگرچه مدل مفهومی بالا، بنیان‌های چرخه تخریب محیط‌زیست در کلاردشت را پایه‌ریزی می‌کند اما پیش از پرداختن به پیامدهای آن، به تشریح علت‌های شکل‌گیری این پدیده سیاسی-اقتصادی-اجتماعی، پرداخته می‌شود.

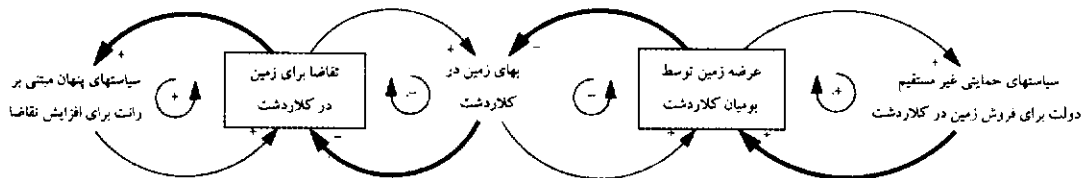
تحلیل پویایی‌های تقاضای زمین در کلاردشت (از نگاه علت‌شناسی): تشویق توأم با اغراق برای سرمایه‌گذاری در کلاردشت، برای توسعه گردشگر طبیعی که توسط یکی از سیاستمداران کشورمان مطرح شد از یکسو و ظهور رانت‌های اقتصادی و اطلاعاتی که ریشه در مدیریت متکی بر نفت در کشورمان دارد، از سوی دیگر، (و نیز جاذبه‌های گردشگری منحصر به فرد منطقه کلاردشت) سبب آشکار شدن و قدرت گرفتن باندهای زمین‌خواری در کلاردشت شده که مدیریت تقاضا و کنترل بهای زمین در منطقه را در اختیار

گرفته است (برابرپور، ب ۱۳۸۷). مدل مفهومی (شکل ۳)، پویایی مفاهیم یادشده را نمایش می‌دهد.

تحلیل پویایی‌های عرضه زمین در کلاردشت (از نگاه علت‌شناسی): مدل مفهومی (شکل ۳)، با نگاه علت‌شناسی به پویایی عرضه و چگونگی تاثیر آن بر تقاضای زمین در کلاردشت، در یک بازار رانتی در بخش عرضه پرداخته است. بر این اساس؛ بالا بودن سرانه زمین در کلاردشت، فقر بومیان که ریشه در راندمان پایین اقتصاد کشاورزی منطقه دارد، اغراق در سرمایه‌گذاری بر روی صنعت گردشگری در منطقه و نیز ناپایده‌انگاری ارزشهای فرهنگی زادگاه توسط بومیان، سلسله علت‌هایی است که سبب شده تا بومیان منطقه به فروش غیرطبیعی و خارج از عرف‌های جامعه شناختی زمین‌هاشان بپردازند (برابرپور، ب ۱۳۸۷). مدل مفهومی (شکل ۳)، ضمن نمایش چگونگی تاثیرگذاری رانتهای اقتصادی بر بخش عرضه زمین در کلاردشت، پویایی یادشده را آشکار ساخته است.

تحلیل پیامدهای عرضه و تقاضای مبتنی بر رانت زمین در کلاردشت: اما پرسش قابل طرح در این بخش از نوشتار آن است که؛ پویایی‌های یادشده، چه پیامدهای ناگواری را در زمان حال در منطقه به ارمغان آورده و چه ناهنجاری‌های اجتماعی را در آینده به بار خواهد آورد؟ مدل مفهومی (شکل ۴)، چگونگی تاثیرگذاری رانتهای اقتصادی، بر پروژه‌های به ظاهر توسعه‌ای، اما با ماهیت تخریب‌زایی را نشان می‌دهد.

با توجه به مدل شکل ۴، پروژه احداث نیروگاه آبی سیاه بیشه (که از سیاست‌های ویژه دولتی تبعیت می‌کند)، طرح بهره‌برداری (غیرعلمی) از جنگل



شکل ۲. مدل مفهومی عرضه و تقاضای زمین در کلاردشت در بازار کنترل شده مبتنی بر رانت [منبع: یافته‌های پژوهش]

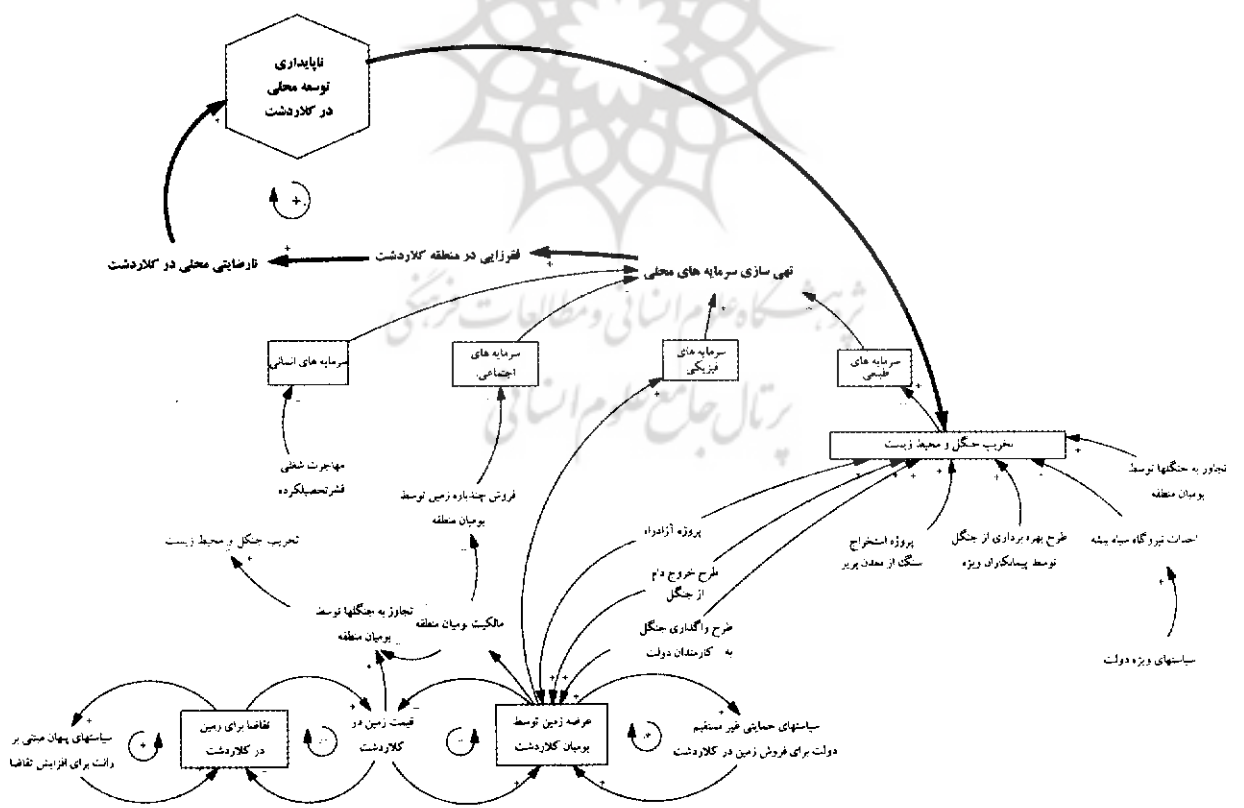
نتیجه‌گیری

رشد بی‌رویه خزرها در یکی از نیروگاه‌های آبی شمال کشور، سبب می‌شد تا خزرها وارد توربین‌ها شده، آنها را از کار انداخته، برق قطع شود. مدیران نیروگاه، ابتدا برای جلوگیری از رشد خزرها، اقدام به قطع یا ریشه کنی آنها می‌کردند که این امر سبب تقویت ریشه‌ها و رشد بیشتر خزرها می‌شد. در گام‌های بعدی، مدیران آن مجموعه تصمیم گرفتند با دعوت از جمعی از زیست‌شناسان و گروه دیگری از دانشمندان، به مبارزه بیولوژیکی با خزرها دست بزنند. آنها در نهایت به این نتیجه می‌رسند که با وارد کردن ماهی‌های خزه‌خوار (که ابعاد آنها چند سانتیمتر بود) به حیات بومی خزرها پایان دهند. پس از وارد ساختن ماهی‌ها به آن سیستم، خزرها نابود شده، مدیران نیروگاه، جشن شادباشی را به مبارکی این اقدام راهبردی خویش برپا کردند! اما این پایان کار نبود. با تاخیرهای زمانی، ماهی‌های خزه‌خوار، دچار جهش ژنتیکی شده و ابعاد هر کدام

از آنها به حدود چندین سانتیمتر می‌رسید. از آن پس، آنها در نقش خزرها ظاهر می‌شدند. یعنی وارد توربین‌ها شده، آنها را از کار می‌انداختند و سبب قطع برق‌ها می‌شدند. مدیران آن نیروگاه اگرچه به گمان خود در ابتدا، بهترین تصمیم را گرفته بودند اما، ارتباط خورده شدن خزرها را، با جهش ژنتیکی ماهی‌ها نادیده گرفته بودند و همین نادیده‌انگاشتن این پویایی ارتباطی، سبب بروز مشکلی جدیدتر با درجه پیچیدگی بسیار بالاتر شد. در "علم پویایی شناسی سیستمها"، پدیده نادیده گرفتن ارتباط بین اجزای یک سیستم در فرآیند تصمیم‌گیری که با تاخیرهای زمانی سبب بروز مشکلات جدیدتری با درجه پیچیدگی بالاتر می‌شود را پیچیدگی پویا می‌گویند. (STERMAN, 2000)

در چرخه تخریب محیط‌زیست کلاردشت نیز پیچیدگی پویا رخ داده است. زمانی که یکی از سیاستمداران کشورمان (صدالبته از سر دلسوزی) به منظور سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری در

کلاردشت، اعلام فراخوان عمومی کرد و با اقبال عمومی روبه‌رو شد، تصور عامه مردم (عوام) بر این بود که بهترین تصمیم را گرفته، اما تاخیرهای زمانی به دقت عکس آن را نشان داد. مطالعه‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حضور و حمایت دولتها از عرضه زمین در کلاردشت و همچنین اعمال سیاستهای برنامه‌ریزی شده عوامل وابسته به رانت در بخش تقاضای زمین، سبب به هم خوردن تعادل اقتصادی در آن منطقه، نه فقط در حوزه خرید و فروش زمین، بلکه در دیگر حوزه‌ها نیز شده است. پیامدهای بعدی این پدیده نیز تخریب محیط‌زیست، فقرزایی و ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت بوده است. گذشته از نقش دولتها در گسترش ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت، مردم آن منطقه نیز به دلایل متعددی که در این نوشتار به آنها اشاره شده، به ناپایداری توسعه محلی و تخریب محیط‌زیست دامن زده است. مطالعه‌های آینده پژوهان در باره علل موفقیت ملت‌ها(خواه باستانی



شکل ۴. مدل مفهومی چرخه تخریب محیط زیست کلاردشت به همراه پویایی سیاستهای پیشنهادی برای کنترل چرخه تخریب [منبع: یافته‌های پژوهش]

کشورما، مطابق معاهده‌های بین‌المللی، موظف و ملزم به رعایت استانداردها و موازین زیست‌محیطی هستند. □

منابع

۱. برارپور، کوروش و کیانوش کلانتر، *ارزیابی پایداری توسعه در منطقه کلاردشت*، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت تهران، ۱۳۸۵.

۲. برارپور، کوروش، *سنجش وضعیت ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت*، فصلنامه (علمی-پژوهشی) پژوهش‌های جغرافیایی دانشگاه تهران، الف، ۱۳۸۷.

۳. برارپور، کوروش، *بررسی علل و پیامدهای وقوع چرخه تخریب محیط‌زیست در کلاردشت*، مجله (علمی-پژوهشی) محیط‌شناسی دانشگاه تهران، ب، ۱۳۸۷.

۴. جمشیدی، علیرضا، *سختگوی فوه‌قضاچه*، رسیدگی به ۲۱ سال واگذاری زمین، مجلد روزنامه ایران، ۲۶ دی‌ماه، ۱۳۸۶.

۵. حاتمی، بیژن، نقش دانشگاه‌ها و پارک‌های علمی-تحقیقاتی در توسعه کلاردشت، *مقالات اولین گفتمان نیم‌روزه توسعه پایدار در کلاردشت*، ۱۳۸۵.

۶. دانایی فرد، حسن، *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت*، تهران: انتشارات صفار، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۷. سلیمان‌پور، شجاع، *توقف فعالیت شرکت بهره‌برداری از سنگ‌های تیرینی در کلاردشت*، روزنامه ایران، ۲۹ آبان، ۱۳۸۳.

۸. کامینگر، توماس جی. و کریستوفر جی. وِرنلی، *تحول و توسعه سازمان*، ترجمه کوروش برارپور، انتشارات ساپکو، فزاندیش سبز، ۱۳۸۵، صص ۲۲۳-۲۲.

۹. محسنی، انوشیروان، *پروژه آزادراه تهران-شمال*، پیک سبز، دی‌ماه، ۱۳۸۴.

10. GLADWIN, T. N. (1997) Developing reputations for global sustainability. *Stern Business* 4, 28-31.

11. GLADWIN, T. N. (2000) A Call for Sustainable Development. *Mastering Strategy*. Harlow, Financial Times / Prentice Hall.

12. SOUBBOTINA, T. P. (2004) Beyond Economic Growth; An Introduction to sustainable Development, Washington, D.C., The World Bank

13. STERMAN, JOHN.D. (2000), *Business Dynamics*, Mc Grow-Hill Higher Education, pp.85-104.

14. WATERS, M.(1995), *Globalization*, London : Routledge.

● کوروش برارپور: دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه تربیت مدرس و بنیانگذار سازمان مردم نهاد بنیاد توسعه پایدار کلاردشت

حمایت دولتها از
پروژه‌هایی که در فاز
امکان‌سنجی، بسیار ضعیف
و غیرعلمی عمل می‌کنند،
به پدیده توسعه ناپایدار
در مناطق مختلف کشور
دامن می‌زند.

گیرنده منافع آنان نباشد، این سیاست‌ها خود، با تاخیرهای زمانی، عامل تخریب محیط‌زیست خواهد بود! در گام بعدی نیز بایستی با طراحی سیاست‌های نظارتی دقیق و علمی، تمامی فرایندهای مبتنی بر رانتی که به اسم توسعه صنعت گردشگری طبیعی اما با هدف‌های سوداگرایانه، پویایی‌های رشد چرخه تخریب محیط‌زیست را فعال کرده‌اند، متوقف شود. اما بایستی توجه داشت که عدم برقراری توازن بین نگاه‌های طبیعت محور و انسان‌محور به توسعه، سبب گسترش تخریب محیط‌زیست می‌شود، بنابراین بایستی با ایجاد توازن بین این دو رویکرد و تعریف یک نقطه کار پایداری توسعه با روشهای علمی، به مسیر توسعه سمت و سوی پایداری داده شود. همچنین مطابق با اصول ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی، سند چشم‌انداز ملی و برنامه چهارم توسعه، منابع طبیعی و محیط-زیست ایران متعلق به همه نسل‌های این مملکت است و هیچ کس یا هیچ طرح توسعه‌ای (یا غیر توسعه‌ای)، حق ندارد به محیط‌زیست کشور آسیبی برساند. امید است در کشور ما، احترام به قانون، به ویژه قوانین زیربنایی، به یک ارزش اساسی مشترک تبدیل شود. مطالعات واترز (WATERS, 1995) نشان می‌دهد که: "اگر رهبران سیاسی کشورها و دولت-ملتها در مقابل تخریب‌های زیست‌محیطی اقدام‌های چاره‌جویانه‌ای را انجام ندهند، پدیده‌ای به نام وحشت زیست‌محیطی همه‌جای سیاره خاکی را فرا خواهد گرفت". بنابراین تمامی دولتها، از جمله

و خواه معاصر) نشان می‌دهد: ملتی که فاقد چشم‌انداز درازمدت و تصویر مثبت از آینده‌اش باشد، هیچ‌گاه به موفقیت‌های بزرگ نایل نمی‌شود و نسل‌های پسین آن، همواره پاسخگوی خطای استراتژیک پیشینیان خود خواهند بود.

با توجه به تخریب‌های زیست محیطی صورت گرفته در کلاردشت و به هم خوردن آمایش سرزمین آن منطقه؛ مردم، دستگاه‌ها، نهادهای مدنی و دیگر سازمانهای مردم نهاد، همگی بایستی دست به دست هم بدهند تا با تعریف و تبیین یک چشم‌انداز درازمدت (البته بر اساس ارکان جهت‌ساز سند چشم‌انداز ملی و دیگر اسناد بالادستی، به طراحی یک طرح جامع برای کلاردشت بپردازند که مطابق با استانداردهای جهانی، پنجاه سال آینده را هدف قرار داده باشد. به گونه‌ای که این منطقه زیبا و استثنایی از کشورمان را به سمت آینده‌های مثبت و روشن هدایت کند. برای تحقق این مهم، ابتدا بایستی سیاست‌های حمایتی دولت از پروژه‌هایی که معمولا در فاز امکان‌سنجی، بسیار ضعیف و غیرعلمی ظاهر می‌شوند، کنار گذاشته شود. به عبارت دیگر، دولت بایستی مطابق با اصل ۴۴ قانون اساسی کشور به فعالیتهای حاکمیتی بپردازد و نه تصدی‌گری! البته این بدان مفهوم نیست که طرح‌های میلیاری که پیاده‌سازی و اجرای آنها به بخش خصوصی واگذار می‌شود، به حال خود رها شود. نکته قابل طرح دیگر آن است که؛ اتخاذ سیاست‌های حفاظت از محیط‌زیست توسط دولت‌ها، اگر همراه با مشارکت موثر ساکنان محلی و در بر